

مفهوم استناد به مسئولیت بین‌المللی با تأکید بر طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱)

محسن محبی^{۱*}، وحید بذار^۲

چکیده

دولت زیان‌دیده از عمل متخلفانه بین‌المللی می‌تواند به مسئولیت بین‌المللی دولت مرتکب آن عمل استناد کند. حتی دولت غیر از دولت زیان‌دیده نیز می‌تواند در مواردی که تعهد نقض شده ماهیت عام‌الشمول (erga omnes) داشته باشد، به مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض تعهد استناد کند. براساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)، استناد به‌منزله اقدامی با خصیصه نسبتاً رسمی و متمایز از مفاهیمی همچون اعتراض یا انتقاد است و منشأ و ماهیت تعهد نقض شده بر امکان استناد بی‌تأثیر است. برای استناد به مسئولیت بین‌المللی هیچ مهلت زمانی مدنظر نیست، اما دولت خوانده می‌تواند عدم استناد را به‌منزله مبنایی برای اعراض از آن اثبات کند. دولت زیان‌دیده باید ادعای خود را به دولت مسئول اعلام کند و هنگامی که دولت استنادکننده براساس حمایت دیپلماتیک اقدام می‌کند، باید قاعده تابعیت دعاوی و قاعده طی مقدماتی مراجع داخلی را نیز رعایت کند. نوشتار حاضر می‌کوشد با روشن کردن مفهوم استناد، جایگاه آن را در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی و در روابط میان دولت‌ها تبیین کند.

کلیدواژگان

استناد، تعهدات عام‌الشمول، دولت زیان‌دیده، دولت غیر از دولت زیان‌دیده، مسئولیت بین‌المللی دولت.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی-واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول).
Email: sd.mohebi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی.
Email: vahidbazzar@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰.

مقدمه

همان‌گونه که قاضی هوبر بیش از ۹۰ سال پیش در قضیه «سرزمین‌های اسپانیایی مراکش» تصریح کرد،^۱ بدون شک مسئولیت، نتیجه ضروری حق است و تمامی حق‌های بین‌المللی مشمول نظام مسئولیت می‌شوند (Uffman-Kirsch, 2014: 2). «دولت زیان‌دیده»^۲ از «عمل متخلفانه بین‌المللی»^۳ می‌تواند به واسطه نقض تعهد از سوی دولت خاطی به مسئولیت آن دولت «استناد»^۴ کند.^۵ همان‌طور که منشأ یا ماهیت تعهد نقض‌شده در ایجاد مسئولیت تأثیری ندارد،^۶ در استناد به آن مسئولیت نیز بی‌تأثیر است. اما، دولتی که تعهد در قبال او نقض شده است - فارغ از اینکه آن تعهد، ناشی از عرف بین‌المللی یا معاهده یا به واسطه اعمال یک‌جانبه دولت مرتکب ایجاد شده باشد یا حتی تعهدی ناشی از رأی الزام‌آور دادگاه بین‌المللی یا تعهدی باشد که برای شخص ثالث در یک معاهده پیش‌بینی شده است - حق استناد به مسئولیت دولت خاطی را خواهد داشت.^۷ با وجود بی‌تأثیر بودن ماهیت تعهد نقض‌شده، ویژگی زیان‌دیده‌ای که تعهد در قبال او پذیرفته شده است، در حوزه مسئولیت بین‌المللی دارای اهمیت است. در واقع، همان‌طور که کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح کرده است، تعیین این موضوع که تعهد نقض‌شده در کدام دسته‌بندی جای می‌گیرد، موضوعی مربوط به تفسیر و اجرای «قواعد اولیه»^۸ است،^۹ حال آنکه نظام مسئولیت بین‌المللی ناظر به «قواعد ثانویه»^{۱۰} حقوق بین‌الملل است.^{۱۱}

طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)، استناد به مسئولیت دولت از سوی موجودیت‌های غیردولتی را منتفی نمی‌داند. براساس شرح ماده ۳۳،^{۱۲} در مواردی که تعهدات اولیه نسبت به موجودیت غیردولتی پذیرفته شده باشد، آیین‌هایی برای استناد به مسئولیت دولت در دسترس آن موجودیت وجود دارد (مانند کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشری)، بدون اینکه لازم باشد هیچ دولتی در موضوع دخالت کند (Albers, 2015: 165). همچنین، برای استناد به مسئولیت، استنادکننده باید «سمت»^{۱۳} داشته باشد. علاوه بر این، دولت

1. Spanish Zone of Morocco Claims (Great Britain v. Spain), PCIJ (1923), 2 RIAA, p. 615.

2. Injured State.

3. The Internationally Wrongful Act.

4. Invocation.

5. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 42(A) (a).

6. Ibid. art. 12.

7. Ibid. Commentaries of Article 42, paras. 7,8.

8. Primary Rule.

در حالی که قواعد اولیه، قواعد مربوط به رفتار (Conduct) محسوب می‌شوند، قواعد ثانویه به ایجاد، اصلاح، تفسیر و اعتبار قواعد اولیه و پیامدهای ناشی از نقض آن‌ها می‌پردازند (Roscini, 2014: 19).

9. Op. cit, supra note 5, Commentaries of Article of 42, para. 6.

10. Secondary Rule.

11. Op. cit, supra note 5, p. 1, para. 6.

12. Ibid. Commentaries of Article 33, para. 4.

13. Standing or locus standi.

زیان دیده می‌تواند تصمیم بگیرد که به مسئولیت بین‌المللی دولت مسئول استناد یا از این حق اعراض کند و استناد نکند، اما نمی‌تواند تصمیم بگیرد که سمت نداشته باشد. در واقع، استناد، «حق»^۱ است، اما سمت، «صفت»^۲ است (Vermeer-Kunzil, 2014: 256). حتی برخی حقوق‌دانان از جمله هنکین بر این باورند که حداقل در خصوص قواعد حقوق بشری، دولت مسئول نسبت به اجابت استناد ابراز شده از سوی زیان‌دیده، تعهد حقوقی دارد (Gallagher, 2010: 266).

نوشتار حاضر در دو بخش تنظیم شده است. نخست، مفهوم استناد، شرایط انجام و اعراض از آن تجزیه و تحلیل می‌شود و در قسمت دوم، استناد به مسئولیت از سوی دولتی غیر از دولت زیان‌دیده بررسی خواهد شد.

مفهوم استناد

برای دولتی که به مسئولیت دولت دیگر استناد می‌کند، نشان دادن وقوع عمل متخلفانه کفایت می‌کند، منتهی اگر استنادکننده مطالبه خسارت نیز کند، باید رابطه علیت بین عمل متخلفانه و وقوع خسارت را اثبات کند (محبی، ۱۳۹۲: ۵۷۴). با وجود اهمیت اساسی مفهوم استناد، در طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱)، تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است (Scobbie, 2002: 1205). در شرح ماده ۴۲ سند مزبور گفته شده است که استناد اقدامی با خصیصه نسبتاً رسمی است و برای مثال، شامل طرح دعوا علیه دولت یا شروع به رسیدگی به اقدامات دولت در داوری یا دادگاه بین‌المللی می‌شود و مواردی همچون «انتقاد»^۳ یا «اعتراض»^۴ یا درخواست اجرای تعهد نقض شده یا حتی حفظ حق شکایت در خصوص تعهد نقض شده، استناد تلقی نمی‌شوند.^۵ با این حال، استناد می‌تواند از طرق دیپلماتیک نیز حاصل شود و لزوماً توسل به دادگاه خاص را شامل نمی‌شود (Vermeer-Kunzil, 2014: 257). در قضیه زمین‌های فسفات در نائورو، دیوان بین‌المللی دادگستری آگاهی دولت خوانده از ادعاهای دولت خواهان را از طریق گزارش‌های

«سمت» به قابلیت پذیرش دعوا (Admissibility) و صلاحیت دادگاه بین‌المللی ارتباطی ندارد. بدین ترتیب که «سمت» شرط ضروری برای طرح دعوا در دادگاه بین‌المللی است، اما شرط کافی نیست. در قضیه تی مور شرقی، دولت پرتغال برای استناد به مسئولیت استرالیا ذی‌سمت بود (به‌منزله دولت غیرزیان‌دیده)، اما دیوان بین‌المللی دادگستری به دلیل نارضایتی دولت آلبانی که رسیدگی به اختلاف نیازمند بررسی حقوق و تکالیف او بود، دعوا را رد کرد (Vermeer-Kunzil, 2014: 256).

1. Right.

2. Qualification.

3. Criticize.

4. Protest.

5. op. cit, supra note 5, Commentaries of Article 42, para. 2.

6. Certain Phosphate Land in Nauru (Nauru v. Australia), Preliminary Objections, I.C.J Reports 1992, paras. 33-34.

مطبوعاتی، سخنرانی‌ها و نشست‌ها برای احراز استناد کافی تشخیص داد (Satkauskas, 2003: 91-92).

کمیسیون حقوق بین‌الملل استناد را در مفهوم بسیار مضیقی پذیرفته است. شاید در نگاه نخست این رویکرد قابل انتقاد باشد، اما با بررسی صورت‌جلسات کمیسیون، ملاحظه می‌کنیم که کمیسیون حتی موضعی موسع‌تر از برخی دولت‌ها اتخاذ کرده است. برای مثال، بریتانیا بر این باور بود که اقداماتی همچون بررسی اعمال دولت در سازمان بین‌المللی، پیشنهاد تحقیق و تفحص در خصوص اقدام دولت در نهاد بین‌المللی یا توسل به سازوکارهای حل‌وفصل اختلاف که به تصمیم الزام‌آور منجر نمی‌شوند، مانند «کمیسیون حقیقت‌یاب»^۱ یا «کمیسیون سازش»^۲ نباید استناد به مسئولیت تلقی شوند.^۳

حق استناد به مسئولیت، ارتباطی با ایجاد صلاحیت برای دادگاه بین‌المللی ندارد، حتی اگر آن حق به‌واسطه نقض تعهد در قبال «جامعه بین‌المللی در کل»^۴ ایجاد شده باشد. صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی با اعلام رضایت قبلی یا بعدی طرفین اختلاف حاصل می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری، در قضیه تی مور شرقی (۱۹۹۵) می‌گوید «ویژگی عام‌الشمول بودن یک قاعده و رضایت نسبت به صلاحیت دیوان، دو مقوله جدا از یکدیگرند و اگر دولتی صلاحیت دیوان را نپذیرفته باشد، دیوان نمی‌تواند به موضوع رسیدگی کند، حتی اگر حقوق نقض شده ماهیت تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی را داشته باشند».^۵ همچنین، دیوان در پرونده کنگو علیه رواندا بیان کرد «اصل بر این است که صلاحیت، مبتنی بر رضایت است و اختلافات و دعاوی مربوط به «قاعده آمره»^۶ و تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی استثنایی بر این اصل نیست».^۷

طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱)، حق استناد به مسئولیت را برای دو گروه پیش‌بینی کرده است. به عبارت دیگر، دو گروه را دارای سمت برای استناد شناخته است: نخست، دولت زیان‌دیده و دوم، دولت‌های غیر از دولت زیان‌دیده که دارای نفع حقوقی‌اند.

1. Fact-Finding Commission.

2. Conciliation Commission.

3. UNDOC. A/CN.4/515 (19 March 2001), Comments and Observations Received from Governments, United Kingdom Comment to Part Two bis, Chapter I, p. 59.

4. International Community as a Whole.

این کلمه به معنای «در برابر همه یا در برابر هرکس» است. تعهد عام‌الشمول (erga omnes)، در مقابل تعهد در برابر یکدیگر است. در واقع، erga omnes وصف تعهد است.

5. East Timor (Portugal v. Australia), I.C.J. Reports 1995, p. 90, at 102, para. 29.

6. jus cogens.

7. Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), I.C.J Reports 2006, para. 64.

استناد به مسئولیت بین‌المللی از سوی دولت زیان‌دیده

دولتی که به‌واسطه نقض تعهد از سوی دولت متخلف زیان ببیند، می‌تواند به مسئولیت آن دولت استناد کند. بنابراین، مرکز ثقل استناد به مسئولیت، مفهوم دولت زیان‌دیده است. دولت زیان‌دیده، دولتی است که حق معین او به‌واسطه ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از جانب دولت دیگر صدمه دیده یا نادیده گرفته شده است.^۱ غالباً به‌واسطه نقض تعهد دوجانبه، یک دولت زیان‌دیده خواهیم داشت، فارغ از منشأ آن تعهد دوجانبه که می‌تواند حتی معاهده چندجانبه باشد. اما در قالب معاهدات چندجانبه حقوق بشری مثل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی (۱۹۶۶)، دولت‌ها به‌ندرت دولت زیان‌دیده در مفهوم ماده ۴۲ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ تلقی خواهند شد (McGoldrick, 2004: 196). در ماده ۴۲ طرح می‌خوانیم:

دولت زیان‌دیده حق دارد به مسئولیت دولت دیگر استناد کند اگر تعهد نقض شده، پذیرفته شده باشد (در قبال الف) آن دولت به‌تنهایی یا ب) گروهی از دولت‌ها که دولت زیان‌دیده نیز داخل آن گروه باشد یا در قبال کل جامعه بین‌المللی در صورتی که تعهد نقض شده (۱) به طور خاص آن دولت را تحت تأثیر قرار دهد یا (۲) چنان ویژگی‌ای داشته باشد که وضعیت سایر دولت‌هایی را که تعهد در قبال آن‌ها وجود دارد از حیث تداوم اجرای تعهد اساساً تغییر دهد.

زیان‌دیده ممکن است یک یا چند دولت باشد و استفاده از صیغه مفرد فعل و فاعل در ماده ۴۲، مانع از این نمی‌شود که دو یا چند دولت در قبال عمل متخلفانه بین‌المللی زیان‌دیده تلقی شوند. ماده ۴۶ طرح، به‌صراحت این مهم را ذکر می‌کند و حق استناد به مسئولیت دولت متخلف را برای هریک از چند دولت زیان‌دیده شناسایی می‌کند. با این حال، باید توجه داشت که تعدد زیان‌دیدگان لزوماً دلالت بر شدیدبودن نقض نخواهد داشت (Huesa Vinaixa, 2010: 951). همچنین، در مواردی که چندین دولت مسئول وجود دارد، می‌توان به مسئولیت بین‌المللی هریک از آن‌ها به طور جداگانه استناد کرد.^۳

برای استناد به مسئولیت بین‌المللی، هیچ مهلت زمانی خاصی تعیین نشده است و استناد طی زمان مناسب معمولاً کفایت می‌کند.^۴ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه زمین‌های فسفات در نائورو تصریح کرد که حقوق بین‌الملل هیچ بازه زمانی خاصی را برای طرح دعوا تعیین نکرده است و تعیین این زمان بر عهده دادگاه است که با توجه به شرایط هر قضیه، آن را تشخیص می‌دهد.^۵ همچنین، دیوان در قضیه لاگراندا اعلام کرد که دعوای آلمان قابل رسیدگی

1. op. cit, supra note 5, Part Three, Chapter I, para. 2.

2. A State is entitled as an injured State.

3. op. cit, supra note 5, art. 47, para. 7.

۴. در تعیین این زمان مناسب، اصولاً معیار «در دسترس بودن» (disposability) نیز -به‌خصوص در موارد مربوط به حمایت دیپلماتیک- لحاظ خواهد شد (Tams, 2010: 1046-1047).

5. op. cit, supra note 19, para. 13.

است حتی اگر خواهان سال‌ها پس از اطلاع از نقض تعهد، اقدام قانونی کرده باشد.^۱ به طور کلی، می‌توان گفت که تأخیر در طرح دعوا سبب نپذیرفتن آن نخواهد بود،^۲ مگر اینکه از اوضاع و احوال این‌گونه تلقی شود که دولت زیان‌دیده از حق استناد اعراض کرده است یا دولت خواننده به‌واسطه این تأخیر، به طور جدی متضرر شده باشد.^۳

۱. شرایط استناد به مسئولیت بین‌المللی و موارد از دست دادن حق استناد

استناد به مسئولیت نیازمند رعایت شرایطی است. نخستین شرط، «اعلام»^۴ ادعا به دولت مسئول است.^۵ البته این اعلام، پیش‌شرط تعهد به جبران از سوی دولت مسئول نخواهد بود، زیرا تعهد به جبران به محض نقض تعهد بین‌المللی ایجاد خواهد شد (Peel, 2010: 1029-1030). در واقع، اگرچه مسئولیت به صرف انجام عمل متخلفانه ایجاد می‌شود، در عمل دولت زیان‌دیده باید ادعای خود را به دولت مسئول اعلام کند (Aust, 2005: 423). اعلام ممکن است به هر شکل یا شیوه‌ای باشد و دولت زیان‌دیده می‌تواند ضمن آن، مواردی از جمله شیوه جبران خسارت یا طریق توقف فعل متخلفانه بین‌المللی را نیز تعیین کند.^۶ اگرچه شیوه جبران تعیین‌شده از سوی دولت زیان‌دیده، برای دولت مسئول الزام‌آور نیست،^۷ دانستن اینکه چه اقدامی موجب رضایت زیان‌دیده می‌شود، برای دولت مسئول مفید است و موجب تسهیل حل‌وفصل اختلاف خواهد شد.^۸

در قضیه جزایر مارشال (۲۰۱۶)، دولت خواننده (بریتانیا) مدعی بود که لزوم اعلام ادعا از سوی دولت استنادکننده به دولت مسئول، اصل حقوق بین‌الملل عرفی است و چنین اعلانی از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گرجستان علیه روسیه (۲۰۱۱)^۹ و قضیه بلژیک علیه سنگال (۲۰۱۲)^{۱۰} به‌منزله پیش‌شرط وجود «اختلاف» تلقی شده است. به‌زعم این دولت،

در قضیه فسفات در نائورو، خواننده (استرالیا) استدلال می‌کرد که دادخواست نائورو پس از گذشت ۲۰ سال از استقلال آن به دیوان ارائه شده است و به همین سبب، پذیرفتنی نیست (Ibid., para. 31).

۱. LaGrand Case (Germany v. United States of America), Judgment, ICI Reports 2001, paras. 53-57.
۲. به‌منزله موارد استثنایی در حقوق مسئولیت بین‌المللی، مرور زمان (Passage of Time) در قبال خسارت‌های ناشی از اشیای فضایی و خسارات زیست‌محیطی پذیرفته شده است (Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects 1972, art. 10(1)(2); Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to the Environment (Convention Lugano) 1993, art. 17).

۳. op. cit, supra note 5, art. 45, para. 11.

۴. Notice.

۵. op. cit, supra note 5, art. 43(1).

۶. op. cit, supra note 5, art. 43(2)(a),(b).

۷. op. cit, supra note 5, Art. 43, para. 7.

۸. Ibid., para. 5.

۹. Application of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Georgia v. Russian Federation), I.C.J. Reports 2011.

۱۰. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), I.C.J. Reports

در غیاب چنین اعلانی، شرط استناد به مسئولیت حاصل نشده است و اساساً هیچ «اختلاف قابل رسیدگی»^۱ میان طرفین وجود ندارد.^۲ دولت خواهان (جزایر مارشال) در پاسخ می‌گفت که براساس شرح ماده ۴۴ طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱)، اعلام قبلی ادعا به دولت خواننده، ارتباطی با «قابلیت پذیرش»^۳ دعوا و مسائل مربوط به صلاحیت دیوان ندارد^۴ و رویه قضایی دیوان نیز چنین پیش‌شرطی را نپذیرفته است.^۵ دیوان با اشاره به رویه خود در قضیه کامرون علیه نیجریه گفت «اعلام قصد طرح اختلاف در دیوان به طرف دیگر اختلاف، شرط مراجعه به دیوان نیست»^۶ و «در مواردی که یک قضیه براساس بند ۲ ماده ۳۶ اساس‌نامه دیوان (اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان) مطرح می‌شود، اعلام ادعا به طرف اختلاف ضرورتی ندارد، مگر اینکه آن اعلامیه چنین شرطی را مقرر نموده باشد».^۷ دیوان، دعوی جزایر مارشال را به علت فقدان اختلاف قابل رسیدگی در صلاحیت رد کرد، اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود از پرداختن به اینکه آیا در سایر موارد (غیر از اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان)، اعلام قبلی موضوع به دولت خواننده شرط وجود اختلاف است یا نه؟ به طرز هوشمندانه‌ای می‌گریزد. به هر حال، تا جایی که به دولت زیان دیده مربوط می‌شود، طبق ماده ۴۲ طرح برای استناد به مسئولیت دولت خاطی، باید موضوع به او اعلام شود، هر چند شیوه اعلام حسب مورد می‌تواند متفاوت باشد.

پرسی که در حالت تعدد زیان‌دیدگان ممکن است پیش بیاید این است که اگر هریک از زیان‌دیدگان طریق جبران متمایز از یکدیگر را برگزینند - برای مثال «اعاده وضع به حال سابق» و «جبران خسارت» - تکلیف دولت مسئول چیست؟ با وجود الزام‌آور نبودن شیوه درخواست شده از سوی زیان‌دیده برای دولت مسئول، به نظر می‌رسد که چون براساس مواد ۳۵ تا ۳۷ طرح مسئولیت (۲۰۰۱)، طرق جبران خسارت در طول یکدیگر قرار گرفته‌اند، در صورتی که امکان اعاده وضع وجود داشته باشد، درخواست متقاضی آن پذیرفته خواهد شد (Huesa Vinaixa, 2010: 953). با این حال، اگر درخواست اعاده وضع در قسمتی از قضیه که محل نقض حق متقاضی

2012.

1. Justiciable Dispute.
2. Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom), Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2016, para. 27.
3. Admissibility.
4. op. cit, supra note 5, art. 44, para. 1.
5. Certain Property (Liechtenstein v. Germany), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 19, para. 25; Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1998, p. 317, para. 93; Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Yugoslavia), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1996 (II), pp. 614-615, para. 29.
6. Land and Maritime Boundary between Cameroon and Nigeria (Cameroon v. Nigeria), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1998, p. 297, para. 39.
7. op. cit, supra note 5, para. 45.

اعاده است، ممکن باشد، این کار انجام خواهد شد و به متقاضی خسارت نیز خسارت پرداخت می‌شود، در غیر این صورت به همه متقاضیان خسارت پرداخت خواهد شد.^۱ همچنین، همان‌طور که در رأی داوری تصریح شد، اگر هیچ‌یک از زیان‌دیدگان درخواست اعاده وضع نداشته باشند، مطابق نظر آنان عمل خواهد شد.^۲

برای استناد به مسئولیت، دو شرط «قاعده تابعیت دعوی»^۳ و «قاعده طی مقدماتی مراجع داخلی»^۴ نیز ذکر شده‌اند که برخلاف شرط نخست، پیش‌شرط استناد به مسئولیت بین‌المللی‌اند و کمیسیون با ذکر آن‌ها روشن کرد که این دو شرط تنها به صلاحیت دادگاه‌ها و پذیرش دعوی مربوط نمی‌شوند (Douglas, 2009: 98). در واقع، این موارد پیش‌شرط حمایت سیاسی محسوب می‌شوند. حمایت تنها زمانی در روابط میان دولت‌ها مطرح می‌شود که دولت خواهان به علت نقض حقوق بین‌الملل نسبت به اتباعش، به طور غیرمستقیم و به واسطه صدمه به اتباع، زیان می‌بیند (Vermeer-Kunzil, 2014: 266-267). اما ادعا، متعلق به دولت خواهان است و در صورت وجود مرجع صلاحیت‌دار، می‌تواند به مسئولیت دولت خاطی استناد و علیه آن طرح دعوی کند. البته امروزه، شرکت‌ها و حتی افراد خصوصی که در سطح بین‌المللی فعالیت و با دولت‌های خارجی قرارداد سرمایه‌گذاری دارند، سازوکار لازم برای حل و فصل اختلافات - غالباً رجوع به داوری بین‌المللی - و جبران خسارات ناشی از تخلف یا نقض مقررات از جانب طرف دولتی را در قرارداد پیش‌بینی می‌کنند و چندان به حمایت سیاسی دولت متبوع خود نیازی ندارند (محبی، ۱۳۹۴: ۲۷۲). بنابراین، این مسئله گاه مشکلاتی را ایجاد کرده است. برای مثال، در قضیه کارمندان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران موسوم به قضیه گروگان‌گیری،^۵ نقض تعهد دولت ایران در قبال دولت آمریکا در خصوص حمایت کنسولی از دیپلمات‌های آمریکایی و صدمه به اتباع آمریکایی (دیپلمات‌ها) به طور همزمان مطرح بود (Dugard, 2010: 1062-1063). تشخیص این موضوع که آیا دولت خواهان به طور مستقیم طرف دعواست یا در مقام حمایت سیاسی از اتباع خود طرح دعوی کرده است، با دادگاه بین‌المللی است. اما اگر در قالب حمایت سیاسی طرح دعوی شده باشد، برای استناد به مسئولیت دولت خوانده، اتباع زیان‌دیده باید ابتدا به مراجع داخلی دولت خاطی مراجعه و آن را طی کرده باشند. شعبه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه الزی (۱۹۸۹)، ادعای دولت

1. op. cit, supra note 5, art. 46, para. 4.

2. Forests of Central Rhodope, UNRIAA, vol. 3 p. 1405 (1993), at p. 1432.

3. The Nationality of Claims Rule.

4. Rule of Exhaustion of Local Remedies.

به‌منزله یک مورد استثنایی، براساس ماده ۱۱۱ (۱) کنوانسیون مسئولیت خسارت ناشی از اشیای فضایی (۱۹۷۲)، پیش‌شرط طی مراجع داخلی برای طرح دعوا علیه دولت پرتاب‌کننده (Launching State) لازم‌الرعایه نیست.

5. United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran), ICJ Reports 1980, p. 3.

خواهان را مبنی بر اینکه به دلیل ارتباط بخشی از دعوا به نقض معاهده، به طی مقدماتی مراجع داخلی نیازی نیست، نپذیرفت.^۱

در خصوص شرط تابعیت دعاوی نیز باید گفت که دکترین عدم مسئولیت دولت در قبال اتباع خود نیز که در گذشته مورد حمایت بود، امروزه -به خصوص در پرتو قواعد حقوق بشر- به نحو قابل توجهی رنگ باخته است (Vermeer-Kunz, 2014: 267). شرط تابعیت دعاوی را که در ماده ۴۴ طرح مسئولیت (۲۰۰۱) آمده است باید همراه پیش‌نویس مواد مربوط به حمایت دیپلماتیک (۲۰۰۶) در نظر گرفت. سند اخیر، ماده ۴۴ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ را توسعه داده است. براساس پیش‌نویس مزبور، حمایت دیپلماتیک از فرد «بی‌تابعیت»^۲ (از سوی دولت محل اقامت فرد)، «پناهنده» (از سوی دولت محل اقامت و به جز در مقابل دولت متبوع فرد)^۳ و «چندتابعیتی»^۴ (از سوی هریک از دول متبوع)^۵ امکان‌پذیر است. حتی هنگامی که فرد در زمان ورود صدمه تابعیت دولت حمایت‌کننده را ندارد و تنها در زمان طرح دعوا دارای چنین شرایطی می‌شود، امکان حمایت دیپلماتیک پیش‌بینی شده است.^۶

همچنین، امکان مطرح‌شدن مسئولیت مدنی دولت و مسئولیت کیفری فرد متبوع به‌واسطه یک قضیه وجود دارد (زمانی، ۱۳۹۵: ۱۳).^۷

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر دولت از تبعه خود که به‌واسطه نقض تعهد عام‌الشمول آسیب دیده است، حمایت دیپلماتیک نکند، آیا سایر دولت‌ها می‌توانند در حمایت از فرد مزبور اقدام کنند؟ براساس طرح حمایت دیپلماتیک (۲۰۰۶)، دولت‌ها «حق

1. Elettronica Sicula SpA (ELSI) (United States of America v. Italy), ICJ Reports 1989, p. 43, para. 52.

2. Stateless Person.

3. ILC Draft Articles on Diplomatic Protection 2006, art. 8.

4. Multiple nationality.

5. op. cit, supra note 56, art. 6.

حمایت یکی از دولت‌های متبوع از فرد چندتابعیتی در مقابل دیگر دولت متبوع او ممکن نیست، مگر اینکه تابعیت دولت حمایت‌کننده از فرد -در زمان ورود صدمه و طرح دعوا- تابعیت غالب (predominant) باشد (Ibid, art. 7).

6. Ibid, art. 5(2).

7. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 25(4); ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 58.

در قضیه نسل‌زدایی (۲۰۰۷) در دیوان بین‌المللی دادگستری، این مسئله مطرح شد (زمانی، ۱۳۹۵: ۱۳). در قضیه مزبور، دیوان با اینکه می‌پذیرد در کنوانسیون منع نسل‌زدایی (۱۹۴۸) ماده صریحی در خصوص تعهد دولت‌های عضو به ارتکاب جرم ژنوسید وجود ندارد (عزیزی و حاجی، ۱۳۹۵: ۱۴۹)، استدلال می‌کند که اگر بپذیریم دولت‌ها باید در حد توان خود مانع ارتکاب ژنوسید از سوی افراد شوند، آنگاه تناقض‌برانگیز خواهد بود که بگوییم خود دولت‌ها تعهدی به عدم ارتکاب این جرم ندارند (Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), I.C.J Reports 2007, para. 74).

اعمال حمایت دیپلماتیک^۱ دارند^۲ و هیچ تعهدی نیز در این خصوص ندارند.^۳ در خصوص تعهدات عام‌الشمول نیز هیچ استثنایی در این خصوص پذیرفته نشد، با اینکه موضوع مزبور در جلسه ۵۲ (۲۰۰۰) به بحث گذاشته شده بود (Scobbie, 2002: 1216-1217). با اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه بارسلونا تراکشن اعلام می‌کند که هنگامی حقوق بشری در سطح جهانی به‌منزله تعهدات عام‌الشمول پذیرفته شده‌اند،^۴ حتی سازوکارهای حقوق بشری نیز امکان حمایت از قربانیان این حقوق را بدون توجه به تابعیت آن‌ها در نظر نگرفته‌اند. مقوله «حمایت شغلی»^۵ که در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی مطرح می‌شود نیز برگرفته از همان منطق و مبنای حمایت دیپلماتیک است (Benlolo Carabot & Ubeda-Saillard, 2010: 1076-1077).

براساس ماده ۴۵ طرح مسئولیت ۲۰۰۱، استنادنکردن به مسئولیت بین‌المللی ممکن است به‌منزله «اعراض»^۶ دولت از حق استناد تلقی شود.^۷ البته صرف گذشت زمان بدون اینکه ادعا حل‌وفصل شود به معنای اعراض محسوب نمی‌شود.^۸ به طور کلی، اثبات اعراض کار آسانی نخواهد بود. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پذیرش اعراض بسیار سخت‌گیرانه عمل کرده است. برای مثال، در قضیه زمین‌های فسفات در نائورو، دیوان در پاسخ به ایراد مقدماتی خواننده (استرالیا) اعلام می‌کند که رفتار خواهان (نائورو) بدون اظهار صریح، دلالت بر اعراض آن دولت نمی‌کند.^۹ همچنین، دیوان در قضیه الزی (۱۹۸۹)، آستانه بالایی را برای اعراض -به‌خصوص درباره اعراض ضمنی- در نظر گرفته است (Douglas, 2009: 99). به طور کلی در هر قضیه،

1. Right to Exercise Diplomatic Protection.

2. op. cit, supra note 56, art. 2.

دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری حدود ۸۰ سال قبل از کمیسیون حقوق بین‌الملل در قضیه ماوروماتیس (۱۹۲۴) اعلام کرده بود که دولت با حمایت دیپلماتیک از تبعه، حق خود را اعمال می‌کند (PCIJ, Series A, (No. 2, 1924: p. 12).

۳. به نظر می‌رسد بتوان گفت که اتباع زبان‌دیده حق دارند از دولت متبوعشان درخواست کنند که حمایت دیپلماتیک از آنان را بررسی و دولت مزبور وظیفه دارد این درخواست را به طور معقولی بررسی کند (Shaw, 2008: 810). با این حال، در قضیه عباسی علیه هیئت دولت (۲۰۰۲)، دادگاه استیناف بریتانیا اعلام کرد در مواردی که عدالت، درخصوص شهروندان بریتانیایی در خارج از این کشور آشکارا نادیده گرفته شود، نقش دولت در حمایت دیپلماتیک از این افراد بدون تردید پذیرفته شده است (Regina (Abbasi) v. Secretary of State for Foreign Affairs, EWCA Civ. 1598, CA 6 Nov 2002, para. 92).

4. Barcelona Traction (Belgium v. Spain), Second phase, Final Judgment, I.C.J Reports 1970, para. 91.

5. Functional Protection.

۶. ماده ۴۵ طرح مسئولیت ۲۰۰۱، دو نوع انصراف از استناد به مسئولیت را پیش‌بینی کرده است: اعراض ضمنی از استناد به مسئولیت بین‌المللی (Acquiesce) و اسقاط حق استناد به مسئولیت بین‌المللی (Waiver) (مجبی، ۱۳۹۳: ۷).

7. op. cit, supra note 5, art. 45, para. 2.

8. op. cit, supra note 5, art. 45, para. 6.

9. op. cit, supra note 19, paras. 12-21.

دادگاه با توجه به اوضاع و احوال تشخیص می‌دهد که آیا اعراض انجام شده است یا خیر؟ در یک مورد استثنایی، دیوان داوری ایران-امریکا در قضیه بوئینگ^۱ از فرصت زمانی سه‌ساله‌ای که برای ایران در خصوص طرح دعوا وجود داشت، به‌منزله «فرصت گسترده»^۲ نام برد و آن را به‌مثابه اعراض این دولت تلقی کرد (Boas, 2012: 302).

استناد به مسئولیت از سوی «دولتی غیر از دولت زیان‌دیده»^۳

تا سال‌ها پیش، رابطه مسئولیت تنها میان دولت زیان‌دیده و خاطی ایجاد می‌شد. در واقع، در آن دوران، برای استناد به مسئولیت دولت متخلف، اهمیت و حساسیت تعهد نقض‌شده تأثیری نداشت. اما امروزه با توجه به گستردگی روابط بین‌المللی و ضرورت صیانت از همبستگی بین‌المللی - به‌ویژه با توجه به مفهوم تعهدات در قبال همه دولت‌ها - برخی تعهدات بین‌المللی چنان ابعاد و اهمیتی دارند که نقض آن‌ها نه تنها به دولت طرف مقابل تعهد صدمه می‌زند، بلکه چه‌بسا طیف وسیع‌تری از دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در این صورت علاوه بر دولت طرف تعهد، سایر دولت‌ها نیز در تضمین رعایت تعهد مربوط «نفع حقوقی»^۴ دارند و می‌توانند به مسئولیت دولت خاطی استناد کنند. حتی در برخی موارد، تمامی دولت‌ها «ذی‌نفع» محسوب می‌شوند، ولو اینکه به طور خاص از نقض تعهد، صدمه ندیده باشند.^۵ هریک از دولت‌هایی که براساس ماده ۴۸ حق استناد به مسئولیت را دارند می‌توانند براساس ماده ۴۵ و همانند زیان‌دیدگان ماده ۴۲، از حق استناد خود چشم‌پوشی کنند.

بازی، ماده ۴۸ طرح مسئولیت (۲۰۰۱)، دو نوع تعهد را حائز چنین خصیصه‌ای تلقی کرده است و با کاربرد عبارت «هر دولت به جز دولت زیان‌دیده» سعی در القای این نکته دارد که لزومی ندارد که این دولت‌ها به صورت جمعی اقدام کنند.^۶ نخستین مورد، تعهدی است که در مقابل گروهی از دولت‌ها و به‌منظور تأمین برخی از منافع جمعی آن گروه پیش‌بینی شده

1. The Boeing Company, et al. v Iran et al. (1986) 6 Iran-United States Claims Tribunal Rep 43,50.

2. Ample Opportunity.

3. State other than an injured State.

در خصوص اصطلاح دولت غیرزیان‌دیده در ماده ۴۸ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ اختلاف‌نظرهای شدیدی در جلسات کمیسیون حقوق بین‌الملل وجود داشت. افرادی همچون برونو سیما (Bruno Simma) اصطلاح «دولت منتفع» (interested State) را پیشنهاد و بر آن پافشاری می‌کردند. اما در نهایت عبارت کنونی (دولتی غیر از دولت زیان‌دیده) (State other than an injured State) پذیرفته شد (Crawford, 2002: 881).

4. Legal Interest.

5. op. cit, supra note 5, para. 2.

معیار امکان استناد از سوی غیرزیان‌دیده می‌تواند در آینده، مبنای قابل قبولی را در خصوص به‌رسمیت‌شناختن حق استناد به مسئولیت دولت‌ها از سوی موجودیت‌های غیردولتی - که به‌سختی می‌توانند صدمه مستقیم خود را در این موارد نشان دهند - فراهم آورد (Brown Weiss, 2002: 803).

6. op. cit, supra note 5, art. 48, para. 4.

است.^۱ این گونه «تعهدات جمعی»^۲ شامل موضوعاتی از جمله محیط زیست یا امنیت منطقه - برای مثال، معاهده منطقه عاری از سلاح اتمی یا نظام منطقه‌ای برای حمایت از حقوق بشر^۳- می‌شود؛^۴ به هر حال، این ترتیبات و موافقت‌نامه‌ها باید از سطح روابط دوجانبه میان طرف‌های آن فراتر روند.^۵ دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز حتی اگر به طور مستقیم از نقض کنوانسیون مزبور زیان ندیده باشند، حق استناد به مسئولیت دولت عضو متخلف را دارند.^۶ حداقل سه قضیه در دیوان اروپایی حقوق بشر،^۷ بر این مبنا رسیدگی شد (Brown Weiss, 2002: 806). دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه ویملدون (۱۹۲۳)،^۸ دولت‌های عضو معاهده چندجانبه را که از نقض معاهده هیچ صدمه مستقیمی ندیده بودند، در ادعای نقض آن معاهده، ذی‌سمت تشخیص داد.^۹ اما بهترین نمونه‌ای که می‌توان در این خصوص ذکر کرد، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حسین هابره^{۱۰} (۲۰۱۲) است. دیوان در این قضیه ضرورتی ندید تا منفعت خاص دولت خواهان (بلژیک) را در خصوص ادعای رعایت‌نکردن مقررات «کنوانسیون منع شکنجه» از سوی دولت خوانده (سنگال) احراز کند. دیوان می‌گوید که بلژیک به‌منزله دولت عضو کنوانسیون مزبور حق دارد به مسئولیت بین‌المللی سنگال برای

1. Ibid., art. 48(1)(a).

2. Collective Obligations.

۳. اغلب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر -قبل از تدوین طرح مسئولیت در سال ۲۰۰۱- این امکان را فراهم کرده بودند تا بر مبنایی که در شق الف بند یک ماده ۴۸ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ ذکر شده است، علیه سایر طرف‌های معاهده اقامه دعوا کنند. ماده ۴۵ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، ماده ۴۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱)، ماده ۱۱ کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، ماده ۴۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) (البته به صورت شرط اختیاری) و ماده ۲۱ کنوانسیون منع شکنجه و مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده (۱۹۸۴) (به صورت شرط اختیاری) از جمله این موارد به شمار می‌روند (Brown Weiss, 2002: 806).

۴. تعهداتی که مشمول شق الف بند یک ماده ۴۸ می‌شوند، متمایز از تعهداتی است که به موجب بند ب ماده ۴۲ حمایت شده‌اند. بدین ترتیب که طبق ماده ۴۲، دولت استنادکننده باید به طور خاص از نقض تعهد متأثر شده یا اینکه نقض آن تعهد، وضعیت دیگر دولت‌های ملتزم به آن تعهد را به طور اساسی تغییر داده باشد (Brown Weiss, 2002: 802).

5. op. cit, supra note 5, art. 48, para. 7.

6. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Nov. 4, 1950, Art. 33, 213 UNTS 221, as amended by Protocol No. II, May II, 1994, 33 ILM 960 (1994) (entered into force Nov. 1, 1998).

7. Cyprus v. Turkey, App. No. 25781/94 (May 10, 2001); Denmark v. Turkey, App. No. 34382/97 (Apr. 5, 2000); and Ireland v. United Kingdom, App. No. 5310/71. (ser. A) (January 18, 1978).

8. S.S. "Wimbledon" (Ger. v. UK, Fr., Italy, Japan), PCIJ (ser. A) No.1, 17 August 1923, p. 15.

۹. شرح مختصر این قضیه بدین‌قرار است که هنگامی که دولت آلمان به یک کشتی بریتانیایی که در اجاره دولت فرانسه بود، اجازه ورود به کانال کیل (Kiel Canal) را نداد، دولت‌های بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و ژاپن با ادعای نقض معاهده ورسای، دعوایی را علیه آلمان در دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری طرح کردند. از آنجا که چهار دولت خواهان، عضو معاهده مزبور بودند و دولت‌های ژاپن و ایتالیا هیچ منفعت مالی در دعوا نداشتند، دیوان هر چهار دولت را حائز سمت در دادرسی تلقی کرد (Brown Weiss, 2002: 803).

10. Hissene Habre.

نقض تعهداتی که در کنوانسیون پذیرفته است، استناد کند.^۱ در واقع، «منفعت جمعی» ناشی از اجرای مقررات این معاهده، هریک از طرف‌های معاهده را محق می‌کند که درخواست کند نقض مقررات کنوانسیون از سوی طرف دیگر خاتمه یابد، زیرا اگر وجود منفعت خاص هریک از طرف‌ها برای استناد به مسئولیت دولت خاطی الزامی قلمداد شود، در بسیاری از قضایا هیچ‌یک از دولت‌های طرف کنوانسیون نمی‌توانند به مسئولیت بین‌المللی طرف‌های دیگر کنوانسیون استناد کنند.^۲ همه معاهدات چندجانبه این ویژگی را ندارند که دولت‌های غیرزیان‌دیده طرف آن معاهدات بتوانند به مسئولیت بین‌المللی دولت نقض‌کننده استناد کنند. برای مثال، نقض معاهده چندجانبه در زمینه «استرداد»^۳ از سوی دولت درخواست‌شونده، حق استناد به مسئولیت را تنها برای دولت درخواست‌کننده ایجاد می‌کند (Gaja, 2010: 943). دومین مورد، تعهداتی است که در مقابل «جامعه بین‌المللی در کل»^۴ وجود دارد.^۵ کمیسیون با پذیرش حق و سمت دولت زیان‌دیده برای استناد به مسئولیت دولت در مقابل نقض چنین تعهداتی، پا را از رویه سنتی میان دولت‌ها فراتر گذاشته و لزوم جبران را بدون حتی یک دولت زیان‌دیده شناسایی کرده است (Verheyen, 2005: 268). در واقع، حق استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف از سوی دولت غیرزیان‌دیده به صرف عضویت دولت اخیر در جامعه بین‌المللی ایجاد خواهد شد.^۶ در این معنی، اقدام کمیسیون در شناسایی مسئولیت در قبال نقض تعهدات عام‌الشمول را بی‌گمان می‌توان توسعه مطلوب حقوق بین‌الملل توصیف کرد.

تازه‌ترین نمونه‌ای که در خصوص استناد به مسئولیت بین‌المللی بر مبنای نقض تعهدات در قبال

1. op. cit, supra note 41, para. 70.

2. op. cit, supra note 41, para. 69.

3. Extradition.

۴. با اینکه ماده ۴۸ طرح مسئولیت ۲۰۰۱ (مانند دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن (۱۹۷۰)) از عبارت «جامعه بین‌المللی در کل» (International Community as a whole) سخن می‌گوید و نه «جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل» (International Community of States as a whole) که در ماده ۵۳ کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) آمده است، کمیسیون حقوق بین‌الملل -هماهنگ با رویه دولت‌ها- قصد نداشته است تا حق استناد به مسئولیت را برای موجودیت‌های غیردولتی نیز به رسمیت بشناسد (Verheyen, 2005: 281). با این همه، در گزارش سوم گزارشگر کمیسیون (آقای کرافورد) اعلام شد که «جامعه بین‌المللی» علاوه بر دولت‌ها، موجودیت‌های دیگری همچون سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را نیز دربر می‌گیرد (Vauris-Chaumette, 2010: 1023-1024).

5. op. cit, supra note 5, art. 48(1)(b).

قاعده‌ای که در قسمت ب بند ۱ ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) پذیرفته شد، ۵۰ سال پیش از تصویب طرح مزبور، دیوان بین‌المللی دادگستری به آن اشاره کرده بود. دیوان در نظریه مشورتی حق شرط بر کنوانسیون منع نسل‌زدایی اعلام کرده بود که کشورهای متعاقد این کنوانسیون هیچ منفعت شخصی ندارند، بلکه صرفاً هدف مشترکی دارند که نیل به اهداف والای کنوانسیون است (Reservations to the Convention (on Genocide, Advisory Opinion of I.C.J., 28 May 1951, P. 23).

6. Ibid., para. 10.

کل جامعه بین‌المللی مطرح شده است، دعوی جزایر مارشال علیه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای است که در سال ۲۰۱۴ میلادی در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد. در این قضیه، خواهان استدلال می‌کند که تعهدات موضوع ماده ۶ کنوانسیون عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸) (NPT) (تعهد به مذاکره با حسن‌نیت میان طرف‌های کنوانسیون برای خلع سلاح هسته‌ای)، هم تعهد معاهداتی و هم تعهد در قبال «جامعه بین‌المللی در کل» محسوب می‌شود،^۱ زیرا استفاده از سلاح هسته‌ای ممنوع است و تعهد به خلع سلاح هسته‌ای، جنبه حقوق بین‌الملل عرفی یافته است. کشور جزایر مارشال با همین استدلال، علاوه بر بریتانیا، هند و پاکستان - که در NPT عضویت دارند و شرط صلاحیت دیوان درباره آن‌ها حاصل بود - شش کشور هسته‌ای دیگر (اسرائیل، امریکا، روسیه، کره شمالی، چین و فرانسه) را که عضو معاهده مزبور نبودند نیز با این امید که صلاحیت معوق دیوان را می‌پذیرند، مخاطب دعوی خود قرار داد. خواهان مدعی بود که براساس نظر دیوان در قضیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶)، درج اصول حقوق بین‌الملل عرفی (مانند تعهد به خلع سلاح) در معاهدات چندجانبه به حیات آن‌ها پایان نخواهد داد و آن‌ها همچنان به‌منزله اصول حقوق عرفی لازم‌الاجرا خواهند بود.^۲ به هر حال، به دلیل وجود موانع صلاحیتی دیوان، دادخواست تنها علیه سه دولت بریتانیا، هند و پاکستان به جریان افتاد و آن شش کشور دیگر نیز اساساً پاسخی ندادند و صلاحیت دیوان را نپذیرفتند. متأسفانه تصمیم دیوان در خصوص صلاحیت‌نداشتن خود در سال ۲۰۱۶ - به سبب نبود اختلاف میان طرف‌ها - امکان پاسخ به این مسئله را فراهم نیاورد که آیا بر مبنای نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی می‌توان مسئولیت بین‌المللی دولت را احراز کرد یا خیر؟ لذا، قاضی ترینداد در نظریه مخالف خود با اشاره به قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد که به تعهد دولت‌ها در پیگیری مذاکرات مربوط به خلع سلاح هسته‌ای همراه با حسن‌نیت تأکید می‌کنند،^۳ اعلام می‌کند که دولت‌های عضو سازمان ملل عنصر اساسی ایجاد تدریجی تعهد عرفی حقوق بین‌الملل - یعنی «عنصر معنوی»^۴ - را در خصوص تعهد مذکور در ماده شش NPT فراهم آورده‌اند و این تعهد - که «تعهد به نتیجه»^۵ است نه «تعهد به وسیله»^۶ - امروزه جزو حقوق بین‌الملل عرفی است^۷ که حتی مفهوم «معتراض دائمی»^۸ نیز نمی‌توانست مانع ایجاد آن شود.^۹

1. Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom), Application, 24 April 2014, para. 86.
2. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 1984, p. 392, para. 94.
3. SC Res. 984, 11 April 1995, para. 8; and . SC Res. 1887, 24 October 2009, paras. 2,5.
4. opinio juris.
5. An Obligation of Result.
6. An Obligation of Conduct.
7. Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom), Application, 24 April 2014, Dissenting Opinion of Judge Cancado Trindade, paras. 61-63.
8. Persistent Objector.
9. Obligations concerning Negotiations relating to Cessation of the Nuclear Arms Race and to Nuclear Disarmament (Marshall Islands v. United Kingdom), Application, 24 April 2014, Dissenting Opinion

نمونه دیگری که در این خصوص شایان یادآوری است قضیه صید نهنگ (۲۰۱۴) در دیوان بین‌المللی دادگستری است. در قضیه مزبور، خواهان (استرالیا) مدعی بود که خواننده (ژاپن) علاوه بر نقض تعهدات معاهداتی، تعهدات بین‌المللی خود در خصوص حفظ محیط‌زیست دریایی و پستانداران دریایی را نیز نادیده گرفته است.^۱ بدون تردید، حفظ محیط‌زیست متضمن تعهد در قبال کل جامعه بین‌المللی است، اما دیوان در رأی نهایی خود سعی کرد ژاپن را براساس تعهدات معاهداتی‌اش محکوم کند و به ادعای دیگر خواهان نپرداخت.

سؤالی که در خصوص نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی مطرح می‌شود این است که آیا در صورت چشم‌پوشی دولت زیان‌دیده از استناد، سایر دولت‌ها می‌توانند به نفع آن دولت اقدام کنند؟ در جلسات کمیسیون حقوق بین‌الملل پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده شد. بریتانیا بر این باور بود که خودداری دولت زیان‌دیده از استناد باید به منزله چشم‌پوشی از ادعا تلقی شود و حتی حق سایر دولت‌ها را برای استناد از بین می‌برد.^۲ دولت‌های هلند و کره برخلاف بریتانیا - بر این باور بودند که در موارد نقض چنین تعهدی، چشم‌پوشی دولت زیان‌دیده بر حق دولت‌های غیرزیان‌دیده براساس ماده ۴۸ تأثیری نمی‌گذارد (Craven, 2004: 113). در پاسخ به سؤال مزبور باید گفت نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی، منافع جامعه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رضایت دولت زیان‌دیده نمی‌تواند به حق سایر دول خدشه‌ای وارد کند.^۳ در این خصوص ماده ۲۶ طرح مسئولیت دولت تصریح می‌کند که رضایت، وصف متخلفانه نقض قاعده آمره را از بین نخواهد برد. شاید بتوان این استدلال را در خصوص استناد نیز پذیرفت، اما در خصوص درخواست خسارت از سوی دولت غیرزیان‌دیده به نفع دولت زیان‌دیده باید گفت هنگامی که خود زیان‌دیده به دریافت خسارت تمایل ندارد، اینکه به دولت دیگر اجازه دهیم از جانب دولت زیان‌دیده اقدام کند، برخلاف اصول «تساوی حاکمیت»^۴ و «خودفرمانی»^۵ دولت و به مثابه اجازه‌دادن به دولت دیگر است برای اقدام از طرف زیان‌دیده در شرایطی که دولت زیان‌دیده علاقه‌ای به آن ندارد و به هر حال فاقد مبنای حقوقی است (Scobbie, 2002: 1214). کما اینکه در چارچوبی دیگر، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۶) گفته است که هیچ دولتی اجازه ندارد براساس برآورد خود از یک وضعیت، حق دفاع مشروع جمعی را (از جانب دولت دیگری) اعمال کند و استناد به حق دفاع مشروع جمعی هنگامی پذیرفتنی است که دولت منتفع از آن حق اعلام کند که قربانی حمله مسلحانه شده است.^۶

of Judge Cancado Trindade, para. 303.

1. Whaling in the Antarctic (Australia v. Japan New Zealand intervening), I.C.J. Reports 2014, p. 12, para. 1.
2. Comments and Observations Received from Governments, UNDOC. A/CN.4/515 (19 March 2001), United Kingdom Comment to Part Two bis, Chapter I, pp. 67,68,72.
3. op. cit, supra note 5, art. 45(4).
4. Sovereign Equality.
5. State Autonomy.
6. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America),

با این حال، در صورت نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی، دولت غیرزیان‌دیده در مقام استناد به مسئولیت دولت خاطی می‌تواند توقف عمل متخلفانه و «جبران اعلامی»^۱ را درخواست و اگر چیزی بیش از این مطالبه کند، باید ثابت کند که به‌منظور منافع دولت زیان‌دیده و با موافقت او اقدام می‌کند.^۲ درنهایت در مقام طرح خواسته صرفاً می‌تواند توقف عمل متخلفانه و جبران اعلامی درخواست کند و مطالبه خسارات ناشی از نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی، صرفاً تابعی از ادعای دولت زیان‌دیده مستقیم است (Thirlway, 2005: 317).

ممکن است دولت غیرزیان‌دیده برای طرح دعوا علیه دولت متخلف و استناد به مسئولیت او در دادگاهی چون دیوان بین‌المللی دادگستری با مانع صلاحیت مواجه باشد، در این صورت چنانچه میان دولت زیان‌دیده و دولت متخلف دعوایی در دیوان مطرح شده باشد، دولت غیرزیان‌دیده می‌تواند با اثبات اینکه تصمیم دیوان در دعوای اصلی در منافع حقوقی او تأثیر خواهد گذاشت،^۳ به‌منزله ثالث «وارد» دعوای اصلی شود.^۴ شعبه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اختلاف مرزی و دریایی السالوادور و هندوراس تصریح کرد که دولت ثالث برای ورود به رسیدگی به احراز رابطه صلاحیتی نیاز ندارد و این دولت پس از ورود به دعوا، «طرف قضیه»^۵ محسوب خواهد شد.^۶ همچنین، دولت غیرزیان‌دیده می‌تواند از طریق مجمع عمومی یا شورای امنیت سازمان ملل یا سازمان‌های بین‌المللی که عضو آن‌ها هستند، از دیوان تقاضای نظریه مشورتی کند.^۷ (Thirlway, 2005: 320-321 & 326-327). نظریات مشورتی از ضمانت اجرای آرای ترفعی دیوان^۸ برخوردار نیستند، اما این نظرها می‌توانند از لحاظ روانی، فشار افکار عمومی را علیه دولت متخلف افزایش دهند (Rosenne, 2005: 306).

سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا دولت‌های غیر از دولت زیان‌دیده می‌توانند در مقابل نقض تعهد در قبال کل جامعه بین‌المللی، به «اقدام متقابل»^۹ علیه دولت متخلف متوسل شوند؟ گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل درخصوص طرح ۲۰۰۱ (آقای کرافورد) قصد داشت اقدام متقابل جمعی دولت‌ها به‌واسطه نقض فاحش تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی را بپذیرد. با توجه به مباحث مطرح‌شده در کمیسیون و رویه بین‌المللی دولت‌ها

Merits Judgment, ICJ Reports (1986), para. 195.

1. Declaratory remedy.

2. op. cit, supra note 5, Art. 48, para. 12.

3. Statute of the International Court of Justice 1945, art. 62.

4. An Interest of a Legal Nature which may be affected by the Decision in the Case.

5. A Party to the Case.

6. Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras), Application to Intervene, Judgment, ICJ Reports 1990, p. 92, at 135, paras. 99-100.

7. Charter of the United Nations, art. 96.

8. Charter of the United Nations, art. 94(2).

9. Countermeasure.

در خصوص اقدام متقابل از سوی دولت غیرزیان‌دیده، کمیسیون حقوق بین‌الملل ضروری دانست تا نظر خود را در طرح نهایی (۲۰۰۱) به‌صراحت اعلام کند: «وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل راجع به اقدام متقابلی که در جهت منافع عمومی صورت می‌گیرند، نامشخص است و رویه دولت‌ها نیز پراکنده است؛ در حال حاضر به نظر نمی‌رسد دولت غیرزیان‌دیده که براساس ماده ۴۸ طرح عمل می‌کند، حق اتخاذ اقدامات متقابل در جهت حمایت از منافع جمعی داشته باشد».^۱ قائل شدن حق اقدام متقابل برای کلیه دولت‌های غیرزیان‌دیده، موجب افزایش بی‌نظمی در جامعه بین‌المللی می‌شود (Stern, 2005: 97-98). همچنین، اقدام متقابل جمعی دولت‌ها در مقابل دولت مسئول، احتمال نامتناسب بودن اقدام متقابل با عمل متخلفانه بین‌المللی را - که یکی از شرایط توسل به آن است - افزایش می‌دهد (Huesa Vinaixa, 2010: 954).

تمایز میان استناد از سوی دولت زیان‌دیده و دولت غیرزیان‌دیده

از حیث دولت زیان‌دیده، هیچ‌یک از مواد ۴۲ یا ۴۸ مانع اعمال دیگری نیستند، به‌طوری‌که ممکن است شرایطی به وجود آید که یک دولت براساس ماده ۴۲ و سایر دولت‌ها براساس ماده ۴۸ به مسئولیت دولت متخلف استناد کنند.^۲ برای مثال، در قضیه ویمبلدون که چهار دولت به موجب ماده ۳۸۶ معاهده ورسای (۱۹۱۹) در دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری اقامه دعوی کردند،^۳ ژاپن که هیچ‌گونه نفع اقتصادی در گذر از تنگه نداشت، از دیوان صرفاً درخواست حکم اعلامی کرد، اما فرانسه که اتباعش متحمل زیان شده بودند، مطالبه خسارت کرد و حکم به جبران خسارت گرفت.^۴

ادعاهایی که سایر دولت‌ها غیر از زیان‌دیده می‌توانند هنگام استناد به مسئولیت بین‌المللی مطرح کنند، در مقایسه با مواردی که دولت زیان‌دیده می‌تواند درخواست کند، طیف محدودتری را شامل می‌شود.^۵ دولت زیان‌دیده پس از نقض تعهد می‌تواند ادعای خود را به دولت متخلف اعلام کند، خواهان توقف نقض تعهد بین‌المللی شود، برای تکرار نشدن نقض

1. op. cit, supra note 5, Art. 54, para. 6.

در ماده ۴۷ طرح مسئولیت دولت‌ها (۱۹۹۶) و ماده ۵۴ طرح مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۰)، حق دولت‌ها برای اتخاذ اقدامات متقابل در واکنش به نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی پذیرفته شده بود، اما کمیسیون در آخرین لحظات، آن را تغییر داد. ژاپن به‌منزله صریح‌ترین منتقد - همراه مکزیک و بریتانیا - بر این باور بود که پذیرش این موضوع، فراتر از توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل است و باید آن را توسعه انقلابی نامید. امکان این سوءاستفاده زمانی بیشتر می‌شود که دولت چنین تعهدی را نسبت به اتباع خود نقض کند و هیچ کشوری مستقیماً صدمه نبیند، اما بخواهد دست به اقدام متقابل بزند!

2. op. cit, supra note 5, para. 3.

3. op. cit, supra note 5, Art. 47, para. 3 and Art. 43, para. 1.

4. op. cit, supra note 5, Art. 48, para. 11.

5. Ibid.

تعهد، تضمین مطالبه کند، درخواست جبران و حتی شیوه جبران را تعیین کند.^۱ برای دولت غیرزبان دیده نیز تمام این موارد وجود دارد،^۲ اما نمی‌تواند مطالبه خسارت کند. این تمایز به طور آشکار در قضیه آفریقای جنوب غربی^۳ مشهود بود. در این قضیه، دولت‌های اتیوپی و لیبریا در خصوص وضع حقوقی پیش‌آمده درخواست حکم اعلامی کردند.^۴ همچنین، در صورتی که دولت زبان دیده امکان تقاضای جبران یا یکی از طرق جبران را ندارد، دولت غیرزبان دیده نیز نمی‌تواند از طرف او تقاضایی در این خصوص داشته باشد (Uffman-Kirsch, 2014: 49).

براساس طرح مسئولیت ۲۰۰۱، شروط استناد به مسئولیت از سوی دولت زبان دیده (مواد ۴۳ تا ۴۵)، عیناً برای سایر دولت‌های غیرزبان دیده نیز وجود دارد،^۵ یعنی اعلام ادعا به دولت مسئول، شرط تابعیت دعوا، شرط طی مقدماتی مراجع داخلی و شرایط از دست دادن حق استناد به مسئولیت. با این حال، برخی از این شروط مانند رعایت «قاعده تابعیت دعوا» برای دولت غیرزبان دیده، بی‌معناست، زیرا دولت غیرزبان دیده به منظور تعهد در قبال «جامعه بین‌المللی در کل» می‌تواند به مسئولیت استناد کند و در اینجا «قاعده تابعیت دعوا» محلی از اجرا نمی‌یابد (McGoldrick, 2004: 197). در خصوص شرط «طی مراجع داخلی» نیز این قاعده در برخی از موارد نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی، از جمله تعهدات حقوق بشری، لازم‌الرعایه نیست.

آخرین نکته‌ای که به آن خواهیم پرداخت این است که آیا دولتی که مستقیماً از نقض تعهد عام‌الشمول زبان ندیده است، می‌تواند از حق استناد چشم‌پوشی کند؟ پاسخ این سؤال، منفی است. با جمع مواد ۲۰ و ۲۶ طرح ۲۰۰۱ به این نتیجه می‌رسیم که هیچ دولتی نمی‌تواند با رضایت خود، نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی را -چه پیش از ارتکاب عمل و چه پس از آن- نادیده بگیرد. همچنین، طبق ماده ۴۱ طرح مزبور، دولت‌ها برای پایان بخشیدن به نقض تعهدات ناشی از قواعد امره، متعهد به همکاری‌اند و این چشم‌پوشی، نقض آشکار این تعهد است. علاوه بر این، چون این نقض، ناظر به منافع «جامعه بین‌المللی در کل» است، هرگونه تصمیم منفرد از سوی دولتی که مستقیماً زبان ندیده است، اهمیتی ندارد (حدادی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

نتیجه‌گیری

زبان دیده از عمل متخلفانه بین‌المللی -فارغ از ماهیت یا منشأ تعهد نقض‌شده- می‌تواند به مسئولیت بین‌المللی مرتکب آن عمل استناد کند. استناد به مسئولیت که اقدامی نسبتاً رسمی

1. op. cit, supra note 5, art. 43.

2. op. cit, supra note 5, art. 48(2).

3. South West Africa Case, Preliminary Objections, I.C.J. Reports 1962, p. 319; South West Africa, Second Phase, I.C.J. Reports 1966, p. 6.

4. op. cit, supra note 5, Art. 48, para. 11.

5. op. cit, supra note 5, art. 48(3).

است، حق است و طبیعتاً مانند سایر حقوق می‌تواند اعمال نشود یا از آن اعراض شود. استناد به مسئولیت چند متخلف به سبب عمل متخلفانه واحد و استناد از سوی چند زیان‌دیده به واسطه عمل متخلفانه واحد نیز امکان‌پذیر است. همچنین، در مواردی که دولت به منظور حمایت دیپلماتیک از تبعه خود به مسئولیت استناد می‌کند باید پیش‌شرط‌های «طی مراجع داخلی» و «تابعیت دعاوی» را رعایت کند.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین طرح مسئولیت بین‌المللی (۲۰۰۱) برای دو دسته از زیان‌دیدگان حق استناد به مسئولیت را پیش‌بینی کرده است. زیان‌دیده‌ای که به طور مستقیم از عمل متخلفانه بین‌المللی صدمه می‌بیند و سایر دولت‌هایی که چنین شرایطی را ندارند، اما به واسطه عضویت در یک گروه که منفعت جمعی آن گروه مورد آسیب قرار گرفته است یا به واسطه نقض تعهد در قبال کل جامعه بین‌المللی، امکان استناد به مسئولیت واردکننده زیان را دارند. کمیسیون در این خصوص تنها به روابط میان دولت‌ها پرداخته است و با ذکر این نکته که در حقوق بین‌الملل امکان استناد به مسئولیت دولت‌ها از سوی موجودیت‌های غیردولتی وجود دارد، این موضوع را از دایره بحث خود خارج کرده است. البته، ۱۰ سال پس از طرح ۲۰۰۱ و در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱)، کمیسیون به بحث استناد در روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی پرداخته و محدودیت‌هایی را در خصوص استناد به مسئولیت از سوی سازمان‌های بین‌المللی معین کرده است. به طوری که دولت‌ها می‌توانند هم در مواردی که به طور مستقیم صدمه می‌بینند و هم به واسطه عضویت در یک گروه که منفعت جمعی آن گروه مورد صدمه قرار گرفته است و هم به واسطه نقض تعهدات در قبال کل جامعه بین‌المللی به مسئولیت دولت یا سازمان بین‌المللی متخلف استناد کنند، اما سازمان‌های بین‌المللی علاوه بر اینکه حق استناد به مسئولیت دولت‌ها را ندارند، در خصوص استناد به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی نیز محدودیت‌هایی دارند. بدین ترتیب که سازمان‌های بین‌المللی صرفاً در خصوص تعهدات عام‌الشمولی می‌توانند به مسئولیت سازمان بین‌المللی متخلف استناد کنند که آن تعهد جزو اشتغالات سازمان بین‌المللی استنادکننده باشد.

منابع

فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. محبی، محسن (۱۳۹۴). *مباحثی از حقوق نفت و گاز*، چاپ سوم، تهران: شهر دانش.
۲. ----- (۱۳۹۲). *مسئولیت و جبران خسارت در تجارت الکترونیک در پرتو تحلیل اقتصادی حقوق*، جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، مجموعه مقالات

اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، تهران: شهر دانش.

ب) مقاله‌ها

۳. حدادی، مهدی (۱۳۸۹). «استناد به مسئولیت دولت ناشی از نقض تعهدات عام‌الشمول»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال ۲۷، شماره ۴۲، ۸۹-۱۲۴.
۴. زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۵). «واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال ۱۸، شماره ۵۱، ۹-۲۷.
۵. عزیزی، ستار و حاجی، محمد (۱۳۹۵). «احراز مسئولیت دولت در خصوص ارتکاب ژنوسید در تقابل یا تعامل با روند عدالت انتقالی»، *مجله مطالعات حقوقی*، دوره ۸، شماره ۲، ۱۴۷-۱۸۲.

انگلیسی

A) Books

6. Albers, Jan (2015). *Responsibility and Liability in the Context of Transboundary Movements of Hazardous Wastes by Sea: Existing Rules and the 1999 Liability Protocol to the Basel Convention*, Springer Heidelberg Publishing.
7. Aust, Anthony (2005). *Handbook of International Law*, Cambridge University Press.
8. Benlolo Carobot, Myriam & Ubeda-Saillard, Muriel (2010). *Functional Protection*, The Law of International Responsibility-edited by James Crawford, Alain Pellet, and Simon Olleson, Oxford University Press.
9. Boas, Gideon (2012). *Public International Law-Contemporary Principles and Perspectives*, Edward Elgar Publishing Limited.
10. Craven, Matthew (2004). *For the 'Common Good': Rights and Interests in the Law of State Responsibility*, Issues of State Responsibility before International Judicial Institutions- edited by Malgosia Fitzmaurice and Dan Sarooshi, Hart Publishing.
11. Douglas, Zachary (2009). *The International Law of Investment Claims*, Cambridge University Press.
12. Dugard, John (2010). *Diplomatic Protection, The Law of International Responsibility*, edited by James Crawford, Alain Pellet, and Simon Olleson, Oxford University Press.
13. Gaja, Giorgio (2010). *The Concept of an Injured State*, The Law of International Responsibility, edited by James Crawford, Alain Pellet, and Simon Olleson, Oxford University Press.
14. Gallagher, Anne T (2010). *The International Law of Human Trafficking*,

- Cambridge University Press.
15. Huesa Vinaixa, Rosario (2010). *Plurality of Injured State*, The Law of International Responsibility, edited by James Crawford, Alain Pellet, and Simon Olleson, Oxford University Press.
 16. McGoldrick, Dominic (2004). *State Responsibility and the International Covenant on Civil and Political Rights*, Issues of State Responsibility before International Judicial Institutions-edited by Malgosia Fitzmaurice and Dan Sarooshi, Hart Publishing.
 17. Peel, Jacqueline (2010). *Notice of Claim by an Injured State*, The Law of International Responsibility, edited by James Crawford, Alain Pellet, and Simon Olleson, Oxford University Press.
 18. Rosenne, Shabtai (2005). *Decisions of the International Court of Justice and the New Law of State Responsibility*, International Responsibility Today-Essays in Memory of Oscar Schachter, edited by Maurizio Ragazzi, Martinus Nijhoff Publishers.
 19. Roscini, Marco (2014). *Cyber Operations and the Use of Force in International Law*, Oxford University Press.
 20. Shaw, Malcolm N (2008). *International Law*, Cambridge University Press, Sixth edition.
 21. Stern, Brigitte (2005). *A Plea for 'Reconstruction' of International Responsibility Based on the Notion of Legal Injury*, International Responsibility Today-Essays in Memory of Oscar Schachter, edited by Maurizio Ragazzi, Martinus Nijhoff Publishers.
 22. Tams, Christian J. (2010). *Waiver, Acquiescence, and Extinctive Prescription*, The Law of International Responsibility, edited by James Crawford, Alain Pellet, and Simon Olleson, Oxford University Press.
 23. Thirlway, Hugh (2005). *Injured and Non-Injured States before the International Court of Justice*, International Responsibility Today-Essays in Memory of Oscar Schachter, edited by Maurizio Ragazzi, Martinus Nijhoff Publishers.
 24. Uffman-Kirsch, Lisa B. (2014). *The Prevention Principle-A new theory for invocation of state responsibility for marine environmental harm*, Master Thesis Master Programme in Public International Law Utrecht University.
 25. Vauris-Chaumette, Anne-Laure (2010). *The International Community as a whole*, The Law of International Responsibility-edited by James Crawford, Alain Pellet, and Simon Olleson, Oxford University Press.
 26. Vermeer-Kunzil, Annemarieke (2014). *Invocation of Responsibility*, Principle of Shared Responsibility in International Law-edited by Andre Nollkaemper and Ilias Plakokefalos, Cambridge University Press.
 27. Verheyen, Roda (2005). *Climate Change Damage and International Law-Prevention Duties and State Responsibility*, Martinus Nijhoff Publishers.

B) Articles

28. Brown Weiss, Edith (2002). "Invoking State Responsibility in the Twenty-First

- Century", *The American Journal of International Law*, Vol. 96.
29. Crawford, James (2002). "The ILC's Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts: A Retrospect", *The American Journal of International Law*, Vol. 96, No. 4.
30. Satkauskas, Rytis (2003). "A Bill for the Occupants or an Issue to Negotiate: the Claims of Reparations for Soviet Occupation", *Baltic Yearbook of International Law*, Vol. 3.
31. Scobbie, Iain (2002). "The Invocation of Responsibility for the Breach of Obligations under Peremptory Norms of General International Law", *European Journal of International Law*, Vol. 13, No. 5.